

# CARPET PLUS

ماهنامه اینترنتی فرش دستباف  
Iranian Visual carpet Magazine

"کارپت پلاس" / شماره ۱۲ - مهر ماه ۱۳۹۹



آقای عبدالله رضائیان

- کارشناس رنگ آمیزی فرش  
- مُدرس دانشگاه الزهرا  
- (بازنشسته شرکت سهامی فرش ایران)



# CARPET PLUS



ماهنامه اینترنتی فرش دستباف

Iranian Visual carpet Magazine

- [ ۳ ] ..... صفحه نخست | شعر قالی
- [ ۵ ] ..... سرمقاله | مریم طاهری
- [ ۶ ] ..... تار | استاد سید ابوالحسن موسوی سیرت
- [ ۷ ] ..... بود | مرحوم استاد احمد ارچنگ
- [ ۸ ] ..... مقاله | هنر در خانه "فنگ شویی"
- [ ۱۰ ] ..... معرفی یک هنرمند | جعفر پتگر
- [ ۱۶ ] ..... داستان | مهدیار پیرزاده
- [ ۱۸ ] ..... گفتگو | آقای عبدالله رضائیان
- [ ۳۷ ] ..... آموزش تخصصی بافت | زنجیره بافی قالی
- [ ۴۲ ] ..... مقاله | چیستی و ضرورت برندسازی در فرش دستباف
- ۴۶ ..... مقاله تخصصی | تفسیر نگاره ی ماهیان چرخان

[www.thecarpetplus.ir](http://www.thecarpetplus.ir) | thecarpetplus

## کاریت پلاس

مجله اینترنتی فرش دستباف ایران  
سال دوم / مهر / ۹۹ / شماره ۱۲

سردبیر: مریم طاهری تفرشی  
دبیر تحریریه/مدیر هنری: مهدیار پیرزاده  
مدیر اجرایی: فرزانه مرادی  
تحریریه: گروه نویسندگان  
طراحی: آتلیه گروه سینج  
سازمان تبلیغات و آگهی ها: ۰۹۱۲۶۹۳۵۲۹۱

این مجله رایگان است و رایگان خواهد ماند.

لازمه ی استفاده از مطالب و تصاویر این نسخه، به هر شکل و ترتیبی منوط به اخذ مجوز از "کاریت پلاس" است و نقض آن پیگرد قانونی دارد.

همچنین هرگونه بارگذاری محتوایی این مجله بر روی اپلیکیشن های موبایل و فروش پی دی اف این مجموعه ممنوع است.





گل قالی ستاره آسمونه  
گهی فصل بهار گاهی خزونه  
صدای تار و پودش ساز عشقه  
ولی بافنده اش نامهربونه

" از شعرهای قالیباغان هنگام بافت قالی "



این دوازدهمین شماره "کارپت پلاس" است که مقابل دیدگان شما پهن می شود. تار و پود و رج به رج این مجله با شما و برای شما شکل می گیرد.

ما را از نظریات ارزشمندتان بی نصیب نگذارید.

همچنین بخش بازرگانی "کارپت پلاس" آماده پذیرش آگهی های تجاری و تبلیغاتی شما خواهد بود. به زودی طرح های توسعه ی تجاری و مارکتینگ کارپت پلاس از طریق مجله، شبکه های اجتماعی و وبسایت مجموعه به اطلاع شما عزیزان خواهد رسید.



منشین چنین زار و حزین چون روی زردان  
شعری بخوان، سازی بزن، جامی بگردان  
آنکو به دل، دردی ندارد آدمی نیست  
ببازارم از بازار این بی هیچ دردان

آهنگ نور / آلبوم رنگ های تعالی / استاد  
محمد رضا شجریان / فروردین ۹۲



وقتی که سخن از اصالت یک  
فرهنگ و یک کشور به میان  
می آید و به آن فکر میکنی،  
حس غرور و بزرگی برای ما  
ایرانیان پدیدار می شود و  
این حس با حضور خیلی از  
آدمها چند برابر میشود.  
فرهنگ ما ایرانیان با پندار  
نیک، کردار نیک و گفتار  
نیک پایه گذاری شد وقوانین  
کشورمان (حقوق جزا، حقوق

۳۱ شهریور، سالگرد مبارزه غرور آفرینان مام  
وطن و یاد و خاطره عزیزان رفته گرمی و  
جاودانه باد.

اول مهر، روز میلاد خسرو آواز ایران استاد  
محمد رضا شجریان مبارک باد.

زخم چو بر دل رسید، دیده پر از خون  
چراست؟

چون تو درون دلی، نقش تو بیرون چراست؟  
خود به جهان در، مرا، یک دلکی بود و بس  
چون همه ما یک دلیم، قصد شبیخون چراست؟

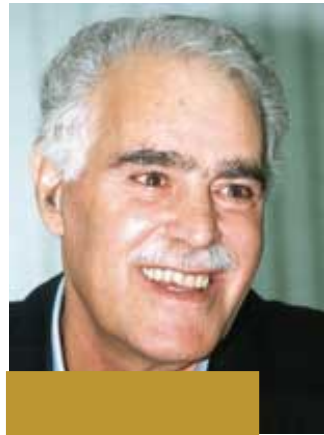
مدنی و حقوق تجارت) از ۱۷۵۰  
سال پیش از میلاد توسط پادشاه بابل در  
لوح حمورابی به یادگار مانده و درمنشور  
کوروش کبیر کشور گشایی ها و بزرگ  
مردی ها و ستونهای تخت جمشید اصالت  
ما ایرانی ها رو به رخ جهان می کشد.

... و پس از آن، فرش ایرانی است که  
افتخاری عظیم برای ما به ارمغان آورده  
از شرق تا غرب کشور، با بافت های  
زیبا و چشمگیرش سالیان سال زبانزد  
جهانیان بوده. زنان و دختران قالیباف  
تصویر جوانمردان، یادبودها، سنگ  
نشته ها، لوح های گلی، ستونهای بجا  
مانده گذشتگان و انسانهای تاثیر گذار در  
زندگیمان را می بافند. حتی مادری را دیدم  
با اینکه سواد نداشت وصیت نامه فرزند  
شهیدش را بافت تا ایثار و غرور جوانان  
از خود گذشته را در ۸ سال جنگ تحمیلی  
به دیده جهانیان بنشانند.

از دیگر افتخارات ما، شکوه صدای کسی  
است که قلب مردمش بوده و هست،  
کسی که روزه های ما دلنشین تر می شد  
وقتی با ربناش به ضیافت افطار می رفتیم  
و با تصنیف هایش همراه بودیم و ...



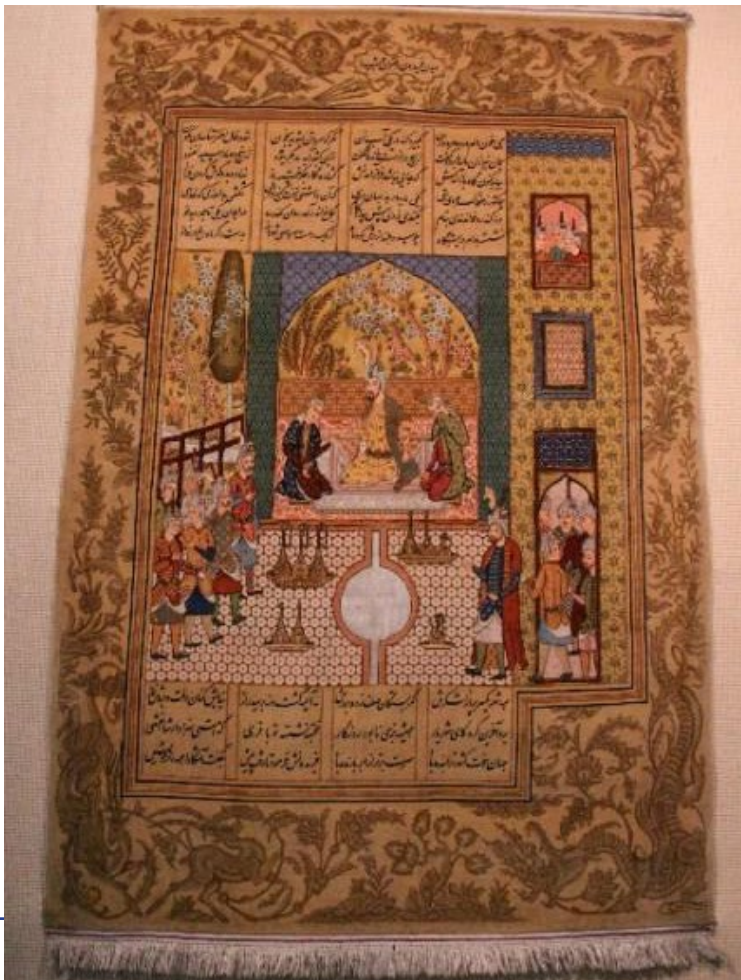




## استاد سید ابوالحسن موسوی سیرت

از جمله طراحی و بافت انجام شده توسط ایشان:  
 - پرتره های کل دبیر کلهای سازمان ملل متحد ۷ تخته ( موجود در سازمان ملل متحد- نیویورک )  
 - شاهنامه فردوسی ۲۶ تخته( موجود در موزه فرش ایران - تهران )  
 - معراج حضرت محمد (ص) ( ژاپن )- درب خانه خدا ( عربستان )  
 - پرتره حضرت مسیح (ع) ( ژاپن )- مشاهیر عالم ( ژاپن )- فلورا ( کلکسیون شخصی )- حضرت یحیی تعمید دهمده ( سوئد )  
 - حلقه درویشان ( سوئد )- شام آخر ( کلکسیون شخصی )  
 - ناپلئون بناپارت (کلکسیون شخصی)- ژاندارک ( شخصی )  
 - آخرین روز پمپئی - عروسی لوئی شانزدهم - شام آخر حضرت مسیح (ع)- بزم هارون الرشید داستان هزارو یک شب - مدرسه چهار باغ اصفهان و طراحی و بافت پرتره سران کشورهای دنیا خصوصا" کشورهای عربی و دهها تابلو فرشهای نفیس دیگر...

سایه شان مستدام باد



استاد سید ابوالحسن

موسوی سیرت در سال ۱۳۲۲ در همدان که یکی از مراکز مهم قالیبافی ایران است متولد شده وی از کودکی به نقاشی علاقه زیادی داشت ،

پدرش معمار بود و در کودکی او را به استاد میرزا رضا یگانه که از استادان بنام آن روز همدان در طراحی قالی بود سپرد . او همزمان با آموزش طراحی به ادامه تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۴۳ پس از کسب مهارتهای لازم و پایان تحصیلات به تهران آمد.

در تهران نیز در وزارت فرهنگ و هنر آن زمان در محضر استاد عبدالکریم رفیعی آموخته های خود را در زمینه طراحی تکمیل کرد و به کسب دانش در هنر قالیبافی پرداخت و سپس در شرکت فرش ایران به فعالیت خود ادامه داد ، و بعدها نزد استاد جباربیک نقاشی مینیاتور را هم کامل نمود. ایشان دارای دکترای افتخاری از سازمان صنایع دستی ایران هستند و متخصص طراحی و نقاشی کلاسیک در زمینه فرش و طراحی فرش سنتی و تصویری و در رنگرزی و ترکیب نخهای رنگی مهارت کامل دارند. در کارگاه خود بافت فرشهای برجسته ( سه بعدی ) را انجام می دهند و

#تار

متخصص کاربرد طلا و نقره و جواهر در فرش نیز هستند. و ایشان در طراحی و بافت گلیمهای مخصوص با طرحهای پیچیده و بافت انواع خط بدون پله ( رنجه ) مهارت کامل دارند.

## مرحوم استاد احمد ارچنگ

#پود

او به سال ۱۳۲۱ خورشیدی فرش‌زیبا بافت. فرش به وسیله فرماندار اصفهان به تهران فرستاده شد و سخت مورد توجه قرار گرفت. از استاد احمد ارچنگ صدها طرح نفیس و نقشه‌های ارزشمند فرش بافی باقی مانده است دریغ که نام استاد در دایره‌المعارف‌ها و دانشنامه‌ها ثبت نشده است و در پایگاه‌های اینترنتی نیز نامش را ارزشنگ می‌نویسند.

روحش شاد و یادش گرامی باد

### استاد احمد ارچنگ

احمدهرتمنی معروف به ارچنگ نقاش، طراح فرش و هنرمند ایرانی به سال ۱۲۹۳ خورشیدی در اصفهان چشم به جهان گشود و در ۱۳۶۹ دیده از جهان فروبست.

ابتدا برای آموزش سواد به مسجد میرزا باقر در خیابان مسجد سید اصفهان رفت. او به دار قالی علاقه زیادی داشت و یک نمونه آن را به دست خود برپا کرد. خانواده که چنین دیدند او را نزد استاد غلامحسین اسلیمی هنرمند قالیباف فرستادند تا اصول طراحی را فرا گیرد. استاد یک هفته این شاگرد خوش استعداد را نزد خود نگاه داشت و چون توانایی ذهنش را فراتر از خود دید وی را نزد نصرالله دخانی معروف به گچکار فرستاد.

از رویدادهای پراهمیت زندگی ارچنگ، آشنایی با پرفسور پوپ بود. پوپ به او پیشنهاد داد تا در نقشه فرش به نقش‌های کاشی‌ها توجه کند. ارچنگ از آن زمان به دقت در نقش و نگارهای صفوی پرداخت و فرش ایران را متحول کرد. پیش‌تر، توجه اصلی به نقش‌های حیوانی و انسانی بود و ارچنگ با اصالت دادن به نقش اسلیمی، انواع ترنج، گل‌های شاه عباسی و نقش‌های تخیلی و انتزاعی و نامیرا توانست صنعت فرش را از رکود برهاند. با ترکیب اسلیمی‌های پیچ در پیچ میلیاردی نقش آفریده شد. حتی امروزه این نقش‌ها در فرش‌های ماشینی هم دنبال می‌شوند.





در ادامه مبحث فنگ شویی از شماره های قبلی در این شماره بخوانید:

### • عنصر چوب:

چوب عنصری است که نشان دهنده رشد، گسترش و حیات در زندگی شما است. اگر خلاقیت شما مسدود شده باشد، یک گیاه سبز با برگ های گرد را اضافه کنید تا انرژی های خلاق شما روان شود.

اشیاء واقعی عنصر عبارتند از:

- چوب طبیعی
- مبلمان چوبی
- گیاهان و گلهای چوب

رنگ عنصر چوب در بین عناصر پنجگانه فنگ شویی، رنگ سبز است مثل برگ های درخت است. شکل عنصر چوب نیز مستطیل شکل است.

بخشهای شرق و جنوب شرق متعلق به عنصر چوب است و به همین دلیل، رنگهای طیف سبز در انتخاب رنگ فرش ارجحند. قرار دادن یک فرش در جهت شرق می تواند به بهبود سلامت (بدن و ذهن) و خانواده ی شما کمک کند. ضمن





## طرح و اجرای تشه فرش: مریم طاهری



اینکه جنوب شرق بخش ثروت نیز میباشد. اگر یک آشپزخانه یا توالت در جهت شرق قرار داشته باشد، از رنگ های عنصر آتش (به عنوان مثال نارنجی پررنگ و قرمز)، رنگ های عنصر فلز (در حد متوسط) و طیف سبز استفاده کنید. برای اتاق نشیمن، فرش با ترکیبی از رنگ های سبز به منظور افزایش انرژی آرام بخش و همچنین رنگ های سیاه و آبی پر رنگ برای بهبود اثرات عنصر آتش توصیه میشود. برای ایجاد خلاقیت، بالا بردن سطح رفاه خانواده، سلامت و انگیزه، باید عنصر چوب در فضا فعال گردد. در بین رنگها، سبزه های روشن انرژی بالاتری دارند. ادامه دارد...



## معرفی هنرمند؛ جعفر پتگر Jafar Petgar



نام اثر: نور صبحگاهی

مرحوم جعفر پتگر (اسفند ۱۲۹۹ / شهریور ۱۳۸۴) زاده تهریز، از استادان معاصر نقاشی و نگارگری فرش، در ایران بود.

از مشهورترین آثار او در نقاشی می‌توان از رفوگر، قالی فروشان دوره گرد، قهوه‌خانه امیرآباد، مکتب قرآن، خانه نقاش، مرغ فروش، ازینجا تا ابدیت و شهریار یاد کرد، که در موزه هنرهای معاصر تهران نگهداری می‌شوند.

در یک خانواده متوسط، به عنوان هفتمین فرزند از نه فرزند، متولد شد. پدرش مشهدی حسن در محله گازران (حومه روستای لاله) کارگاه قالی بافی داشت؛ که قالی‌های شان را به پيله ورانی که در مرزهای ایران و روسیه فعالیت داشتند، می‌فروختند.

آن سال‌ها مصادف بود با آخرین سال‌های حکومت سلسله قاجاریه در ایران. احمد شاه جوان در فرنگ به سر می‌برد؛ و در غیاب او (سال ۱۲۹۹ خورشیدی) رضاخان سردار سپه، کودتا کرد؛ و به عمر قاجاریه پایان داد، و سلسله پهلوی را تأسیس نمود.

از طرف دیگر، دو سال قبل از تولد جعفر پتگر (۱۹۱۸ میلادی) بلشویک‌ها در روسیه انقلاب کردند و حکومت شوروی را بنیاد نهادند؛ و بدین ترتیب، اوضاع داخلی ایران و شوروی تازه تأسیس یافته





بسیار نابسامان و بی ثبات شد و مردم در فقر و تنگدستی به سر می بردند. رضا شاه برای جلوگیری از نفوذ کمونیست ها به ایران، مرزهای شمالی کشور را بست. بطوریکه اقوام و خویشاوندان دو طرف، در دو سوی مرزها جامانده و از یکدیگر جدا شدند. به سبب این اقدام، تمام داد و ستدهای مرز نشینان متوقف گردید؛ و از این طریق فشار مالی بیشتری به مردم وارد شد. خانواده مشهدی حسن نیز مانند دیگر خانواده ها، با مشکلات اقتصادی دست و پنجه نرم می کردند.

در نزدیکی منزل مشهدی حسن، چشمه پُر آبی بود. نهری که از آن جدا می شد، محله را طی می کرد و به طرف روستای لاله می رفت؛ و در استخر بزرگ روستا جمع می گشت؛ که روستاییان باغها و زمینهای خود را با آب آن آبیاری می کردند. نهر آب گازران، در مسیر خود، از خانه مشهدی حسن نیز، می گذشت. هر روز، زنان همسایه و کودکانشان پس از رفتن شوهران، به سر کارهای روزانه، به خانه مشهدی حسن می آمدند و به شستن رخت و لباس می پرداختند. گاهی این شستشوها، بهانه ای برای جمع شدن و گفتگوی بزرگترها و بازی و جست و خیز کودکان بود؛ و زندگی مردم علی رغم سختی ها و خشونت های بیرونی، از درون، توأم با چنین لطافت ها و سرخوشی هایی سپری می شد.







بدین وصف، با کشف و ادراک زیبایی و جمال، کم‌کم نخستین بارقه‌های هنر، دل و جان جعفر را گرم و روشن می‌کند.

جعفر، هر روز ساعت‌ها بر روی تخته سنگی در گوشه حیاط می‌نشست، و غرق در تماشای درختان و پرندگان و جوی آب و هلهله همسایگان می‌شد؛ و از مشاهده اینهمه زیبایی در طبیعت، لذت می‌برد. وقتی حیاط خانه خلوت می‌شد، جعفر مداد رنگی‌ها و دفتر کاهی کوچکش را به حیاط می‌آورد؛ و نقش‌های ساده‌ا‌ئی از مناظر باغچه‌ها نقاشی می‌کرد.

او، پنجاه سال بعد در نوشته‌ای از آن ایام چنین یاد می‌کند:

«هنوز به مکتب نرفته و خطی ننوخته بودم، که زیبایی را در مظاهر گوناگون طبیعت، می‌دیدم و می‌شناختم. با هر رنگ و جوهری که در دسترسم بود، نقشی از آن‌ها به روی کاغذ می‌آوردم؛ یا با موم و خمیر و قیر، تندیزی از موجودات دلخواه خود را می‌ساختم.»



نام اثر: پرتره مادر

از همین ایام (سه سالگی) بود که مشه‌دی حسن، اغلب جعفر را همراه خود، به کارگاه قالیبافی می‌برد؛ و جعفر اولین آموزه‌های دور از محیط خانه را، در کارگاه قالیبافی تجربه می‌کند. او در کارگاه، به همه چیز با کنجکاو‌ی و علاقه می‌نگرد. قالی‌ها، قالیبافان و بخصوص، با دقت به نقشه‌های قالی، و نقش و نگارهای زیبا و رنگین آن‌ها، می‌پردازد؛ و با آن‌ها انس و الفت می‌گیرد. او سال‌ها بعد، درباره این بخش از زندگی خود چنین می‌گوید:

«همراه پدر و برادر بزرگم، به کارگاه قالیبافی می‌رفتم. گرچه تلخی اندیشیدن درباره کارگران نوجوان قالیباف، که مجبور بودند بجای تحصیل یا پرداختن به نشاط‌های متناسب سنشان، به کار و کسب درآمد بپردازند، از همان ابتدا، روح مرا مجروح و آزرده می‌کرد، ولی جمال نقوش قالی‌ها مرا به کارگاه می‌کشاند؛ و ساعت‌ها با تماشای رنگ‌ها و طرح‌های خیال‌انگیز آنها مات و مبهوت می‌ماندم؛ و خودم را مشغول تفرج در باغ مصفائی تصور می‌کردم، که حتی شمیم گل‌های خوشبوی آن را استشمام می‌کردم؛ و نیز صدای دل‌انگیز آب‌ها و نغمه بهشتی پرندگان را می‌شنیدم؛ و در نظر من، هر قالی نمایش گوشه‌ا‌ئی از بهشت بود؛ و من از سیر و سیاحت در آن بوستان‌های بی‌خزان، خسته نمی‌شدم.»

## تحصیلات



نام اثر: دختر بلوچ

در همین سه سالگی، طبق آنچه معمول بود جعفر را به مکتبخانه می‌فرستند؛ و اولین آشنائی او با کتاب و درس شروع می‌شود. در آن زمان، در مکتبخانه‌ها به کودکان، قرآن و شرعیات و زبان فارسی می‌آموختند؛ و جعفر این دوره را ظرف ۲ سال به پایان برد.

سپس به مدرسه فرستاده شد، و دوره شش ساله آن را ظرف چهار سال طی کرد؛ و همچنان شور و علاقه او به نقاشی بیشتر و بیشتر می‌شد. تا جائیکه در پایان دوره دبستان، از پدر و برادر بزرگش خواست تا او را برای تحصیل نقاشی، به هنرستان بفرستند؛ ولی آن‌ها با درخواستش مخالفت نموده و به او توصیه کردند که با توجه به نمرات خوبش، می‌تواند در بهترین دبیرستان شهر به تحصیل ادامه دهد. مشهدی حسن استدلال می‌کرد که، خانواده احتیاجات مالی جدی دارد. او می‌خواست که پسران هرچه زودتر مدارج ترقی را ببینند و برای خانواده درآمد زایی کنند. مشهدی حسن در تمام عمرش کسی را نمی‌شناخت که نقاش باشد؛ و امرار معاش از طریق نقاشی را برای پسرش سرابی بیش نمی‌دید. او نگران خانواده و سرنوشت پسرش بود؛ و بدین ترتیب جعفر، خود را در مقابل لشکری از مخالفان می‌دید.

تعطیلات تابستانی رو به اتمام بود؛ و جعفر که رفتن به دبیرستان را حتمی می‌دید، از منزل پدری فرار کرد و مدتی را در کوچه باغ‌ها به سرگردانی و حیرانی گذراند. در انتهای روز، که فکرش کمی آرام گرفت، راهی منزل عمه محبوبش شد و به آنجا پناه برد. عمه جعفر، محرمانه به مشهدی حسن پیغام رساند که: نگران جعفر نباشید و بیش از این دنبالش نگردید، او پیش ماست. جعفر، چند روزی در منزل عمه بود؛ که مشهدی حسن پیغام تندی مبنی بر مراجعت فوری جعفر به خواهرش داد؛ و از او خواست، هرچه سریعتر او را به خانه‌اش برگرداند؛ که به ناچار چنین شد.

جعفر در بازگشت، از شدت غصه، به سختی بیمار و بستری شد. بطوریکه عملاً رفتنش به دبیرستان نیز منتفی گردید. مادرش که اوضاع را وخیم دید، تحت تأثیر غریزه مادری به دفاع از جعفر پرداخت. عاقبت مشهدی حسن پذیرفت و از پسر بزرگش، خواست که به هنرستان رفته و درباره چگونگی تحصیل جعفر، با اولیای هنرستان صحبت کند.

اکبر بالاخره توانست مشهدی حسن را راضی کند که اصغر، برادر بزرگتر جعفر، و جعفر را به هنرستان بفرستند. این دو برادر از لحاظ عاطفی، ذوقی و عشق شدید به هنرهای ظریفه بسیار به هم نزدیک هستند؛ و چون رضایت مشهدی حسن را بدین ترتیب کسب کرد، تعدادی از نقاشی‌های جعفر و اصغر را، با خود برداشت و به هنرستان صنایع مستظرفه آذربایجان (در تبریز) رفت





سالیان بعد، جعفر پتگر در این باره نوشت:

«... این هنرستان زیر نظر مرحوم میرمصور، که نقاش معروف و مورد احترام آن روز آذربایجان بود، اداره می‌شد. سه سال هم پیش این استاد به طراحی و شبیه‌سازی (با سیاه قلم) گذراندم. ناگفته نماند، که در این موقع و خارج از محیط هنرستان، نزد خود به نقاشی آبرنگ و رنگ روغن می‌پرداختم. من با هنر نقاشی طبیعی سازی غربی (رتالیسم) از نوجوانی آشنا شدم. زیرا، در اغلب مغازه‌های خرازی و کتاب فروشی و فروشندگان نوشت افزار در تبریز، کارت پستال‌های سیاه و سفید و گاهی رنگی، از تابلوهای نقاشان اروپایی فروخته می‌شد. بعضی از آن‌ها را برای خود می‌خریدم و بعضی دیگر را، از پشت ویتترین مغازه‌ها تماشا می‌کردم. البته چیزی درباره آن‌ها نمی‌دانستم؛ فقط از تماشای آن‌ها لذت می‌بردم. بعدها که به هنرستان وارد شدم، دانش‌ام در مورد این کارت پستال‌ها بیشتر شد.»

جعفر، از سه سال تحصیل در هنرستان به نیکی یاد می‌کند. او، سنین ۹-۱۲ سالگی را در این هنرستان طی کرد.

از اواخر سال ۱۳۱۲ خورشیدی، جعفر و اصغر برای ادامه تحصیل در بخش هنرهای جدید اداره صناعات نام‌نویسی کردند؛ و دوره جدید و متفاوتی در زندگی هنریشان آغاز شد. جعفر پتگر چندین سال بعد درباره این سال‌ها نوشت:



«برای ادامه تحصیلات، در اردیبهشت ماه ۱۳۱۲ خورشیدی به تهران عزیمت نموده و وارد اداره صناعات، به ریاست آقای ابوالحسن صدیقی (استاد مجسمه‌سازی) شدم؛ و پس از پنج سال تحصیل، با درجه لیسانس، از آنجا فارغ‌التحصیل شدم. در پایان این دوره، در سال ۱۳۱۸ خورشیدی دو سال نزد یک استاد آلمانی، به تکمیل تحصیلات خود پرداختم. نقاش و پروفیسور آلمانی آلبرت هونمان، به درخواست دولت ایران، از آلمان دعوت شده بود، تا چند تابلوی رنگ روغن بزرگ قد، از نمای





کلی کاخ‌های با شکوه دوران باستانی شاهنشاهی ایران را، به صورت اولیه آن‌ها بسازد و بپردازد؛ و در جنب این کار، هفته‌ای دو یا سه بار، به ما هنرجویان بی سرپرست «هنرکده هنرهای جدید ایران» سرکشی نماید و تعلیم نقاشی بدهد. پروفیسور، از روزی که وارد هنرکده شد، طراحی ما را از دیدگاه طراحی صنعتی، مورد واریسی و تصحیح و حک و اصلاح قرار داد. در حقیقت، راه چند ساله ما را در چند هفته و ماه پیمود؛ و هم به تعلیم و تمرین نقاشی آبرنگ با هنرجویان پرداخت. البته پروفیسور خود متخصص آبرنگ بود و نقاشی‌های رنگ و روغن شان هم، حال و هوای آبرنگ‌هاشان را داشت. لاجرم، پس از چند ماه، پروفیسور به وسیله مترجم به من گفت: من شما و چند نفر دیگر از هنرجویان خود را، می‌خواهم به خرج دولت مطبوعه به آلمان بفرستم. نامه‌ای هم در این باره به مسولین آنجا نوشته‌ام و موافقت شده است که، حداقل سه سال در آنجا به تحصیل بپردازید؛ و نقاشی خود را، تکمیل کنید.

اما به قول شاعر: فرشته‌ایی است، بر این بام لاجورد اندود / که پیش آرزوی بی دلان، کشد دیوار

حشر و نشر ما با پروفیسور، در ایام جنگ جهانی دوم بود. پیش از آنکه ایشان، من و همراهانم را به آلمان بفرستند، آلمان به روسیه حمله کرد، و روسیه نیز به ایران حمله آورد، بنابراین آلمانی‌های مقیم ایران و نیز پروفیسور ما، به عجله و شتاب ایران را ترک گفتند و دنبال سرنوشت نا معلوم خود رفتند.»

نام اثر: پیرمرد رفوگر

جعفر پتگر که از مهم‌ترین نقاشان کلاسیک‌گرای ایرانی به شمار می‌آید، نقش مهمی در آموزش هنر و تعلیم طیفی از مدرنیست‌های ایرانی دارد. او که خود مقدمات هنر را در تبریز فرا گرفت، در نوجوانی همراه برادرش علی‌اصغر پتگر به تهران آمد تا امکانات جدید آموزش هنر را در پایتخت تجربه کند. وی ابتدا به اصول کلاسیک رو آورد و بعدها به مضامین و تکنیک‌های امپرسیونیستی متمایل شد.

نخستین آثار جعفر پتگر بیشتر بازتاب‌دهنده طبیعت و محیط زندگی نقاش است. سوژه آثارش در این دوره باز نمود آن قشر از مردم است که نقاش خود از میانشان برآمده و با آنان زیسته است؛ از جمله رفوگر، پیرمرد مرغ‌فروش، مادر نقاش، قالی‌فروشان دوره‌گرد و دیگر شخصیت‌های زندگی روزمره. وی به تدریج با کسب تجربه بیشتر در دوران استادی به تحولی در ترکیب‌بندی، بازنمایی طبیعت و ارائه اصالت ایرانی می‌رسد. به طور کلی از مهم‌ترین ویژگی آثار پتگر در دوران بعدی کارش می‌توان به تاش‌های رنگی پهن و رنگ‌گذاری ضخیم اشاره کرد که به خوبی در این تابلو مشاهده می‌شود.

پایان

ها کلی مثل و حکم گفت که خیلی یادم نمیاد چرا که مست علف ها و گل‌های شقایق آخر اردیبهشت اون سال ها بودم و بس، ولی چند روز مونده به عید قربان امسال، هی کلمه "قربان" و "قربون" و "قربونی" رو می شنیدم و یه حالی شده بودم، اونقدر که پشتم به تنم سیخ می شد گاهی. خیلی از گوسفندای کنارم نمی دونستن تا ساعاتی دیگر زنده نخواهند بود ولی انگار من از میان سایر گوسفندان، "گوسفند" دیگری بودم و مدام حواسم رو به پشتم هام و اینکه چرا آدم ها به گوسفند بعنوان یک "مدیوم" یا واسط و بانی هنری نگاه نمی کنن پرت می کردم و از همه مهمتر به یه چیزای گنگی از حرفای حاج قربون فکر می کردم و یه امیدواری پشمی ای به خودم می دادم که این روزگار بد پشتم لااقل یه حُسنی برام داشته باشه.

قبل ترها دیده بودم گاهی یکی از آدمایی که برای بردن گوسفند به گله می زند، ماسکی یا پارچه ای به دهان می زند ولی امسال ماسک ها و شکل و تعداد و رنگشان خیلی خیلی زیاد بود که حتمن می دانید دیگر! ویروس کرونا

و اینگونه شد که به دلیل حضور من در جایی که از امکانات کشتارگاه صنعتی به دور بودم، ذبح ما جایز نبود و از تیغ قسمت دورماندم. احساس آزادی دوباره می کردم و در حالیکه با پشتم هایم ور می رفتم به دوچیز هنوز فکر می کردم. یکی اینکه گله ی حاج نوروز در کدام آبادی و شهر بود و دیگر اینکه آن گیاه و علفی که با آن مست می شدم چه نام داشت؟

در قسمت بعد از قیمت و کیفیت پشتم در آن روزها و این روزها بیشتر خواهیم گفت.



## پلیس تهران: عید قربان امسال فرق دارد کشتن گوسفند فقط در کشتارگاه‌های رسمی جایز است

BBC NEWS | فارسی

عقاید یک گوسفند ایرانی درباره پشتم هایش

نویسنده: مهدیار پیرزاده - قسمت دوم

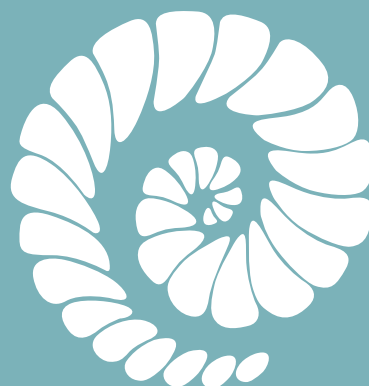


حالا ما گوسفند، شما آدم!

یادتونه تو قسمت اول گفتم چندین بار از سربریدن قصر در رفتیم؟! یکی از آخرینهاش رو همین اول میگم، که قضا و قدری که شماها همیشه برای خودتون بهش اعتقاد دارین، این بار به کمک من و امثال من اومد که قربونی نشیم، هر چند بالاخره آدمیزاد از دین و ایمونش هم دست برداره از شکمش نمیتونه دست بکشه.

باری یادم هست "حاج قربون علی" اون زمان ها که برّه ای بودم در گله ی حاج نوروز خدایامرز، هر وقت بیکار می شد و دست از آبیاری باغ و مرتع بر می داشت، خودش رو به گله می رسوند و از اوسنه ها و داستان ها و نقل قول ها و گاهی شعری دست و پا شکسته، به چوپان آن روزهای گله یعنی غلامرضا ارایه می داد و نصیحت اش می کرد.

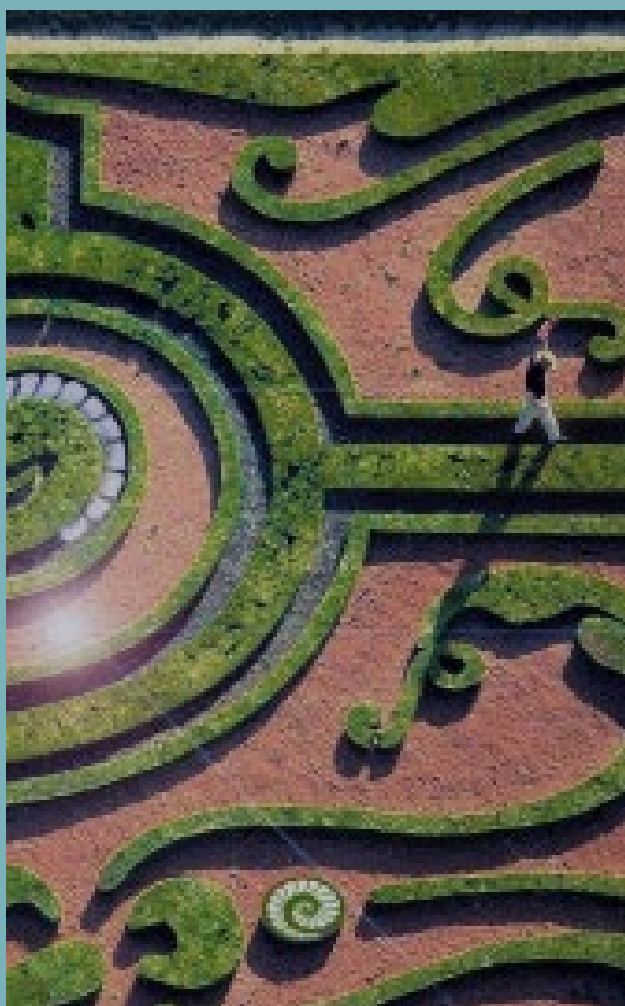
یک بار بحث قضا و قدر بود و جبر جغرافیا که چرا تقدیر ما این بوده که در شهر نباشیم و یا لااقل خانزاده اگر نیستیم لااقل رعیت زاده هم نباشیم و از این دست حرف ها. که حاج قربون داستانی گفت به این مضمون که دورافتادگی و حاشیه نشینی و حتی همین کمبود امکانات روزی یک آپشن حساب میشه ( ا کلمه " آپشن" رو خودم تازگی یاد گرفتم و گر نه اون زمانها این کلمه از زبون اون آدم بعید بود!) و در تایید این حرف



SEPANJ STUDIO

[www.sepanjstudio.com](http://www.sepanjstudio.com)

استودیو طراحی و برندسازی سپنج



"سپنج" خدمات یکپارچه‌ی خود را با توجه به نیاز مشتریان، از سازمان‌های کوچک و متوسط تا بزرگ به اثر گذارترین شکل ممکن ارائه می‌دهد که شامل موارد زیر است:

- تدوین استراتژی بازاریابی
- بخش بندی بازار و تعیین موقعیت کسب و کار و هدف گذاری
- برند سازی و طراحی المان‌های برند
- تدوین و اجرای استراتژی پیام
- طراحی و تدوین محتوا و متن تبلیغاتی
- طراحی کمپین‌های خلاقانه بر اساس استراتژی تعیین شده
- هویت سازی یکپارچه برای مشتریان بر اساس استراتژی
- دیجیتال مارکتینگ
- توسعه‌ی برند در شبکه‌های اجتماعی
- طراحی گرافیک تجاری، طراحی سایت و تهیه و تولید مستندهای تبلیغاتی



این یک گفتگوی خودمانیست با یکی از دست اندرکاران فرش نه مصاحبه رسمی ، بهمین سبب هر آنچه که نوشته شده بی هیچ کم و کاست و با همان لحن گفتمان نگارش شده است.

گفتگو



آقای عبدالله رضائیان  
کارشناس رنگ آمیزی فرش و مدرس دانشگاه الزهرا  
( بازنشسته شرکت سهامی فرش ایران )

## ۱- لطفا بیوگرافی خودتان را بفرمایید و اینکه چگونه وارد دنیای فرش شده اید ؟

عبداله رضائیان هشتم متولد شهریور سال ۱۳۲۶ در لاهیجان . پدر من اصالتا لاهیجانی است اما چون رئیس

بانک بودند به شهرهای مختلف استان گیلان برای کارشان منتقل می شدند مثلا چندین سال پدرم در شهرستان آستانه مشغول به کار بودند و ما در لاهیجان بودیم و بسیار دیر به خانه می رسیدند و چون من تنها پسر خانواده بودم سعی می کردم که بوسیله ای خودم را سرگرم کنم و این بود که از کودکی به کارهای هنری علاقمند شدم . و از همان کودکی نقاشی می کردم . حدود سالهای ۱۳۳۵ به تهران مهاجرت کردیم . در سال ۱۳۴۷ وارد شرکت سهامی فرش ایران شدم و در سال ۱۳۵۹ ازدواج کردم و دارای دو فرزند هستم .



از اینکه چگونه وارد دنیای فرش شدم این رو باید بگم که من قبل از اینکه به استخدام شرکت در بیایم اصلا در باره طراحی فرش چیزی نمی دانستم فقط طراحی و نقاشی آزاد کار کرده بودم و توسط یکی از اقوام به شرکت فرش معرفی شدم و در قسمت طراحی استخدام شدم و زمانی وارد شرکت فرش شدم با فرش و دنیای فرش آشنا شدم .





## ۲- آیا قبل از اینکه وارد شرکت فرش شوید به هنر علاقمند بودید و اصلاً کار هنری انجام می دادید؟

قبل از کلاس هفتم بود که کوزه آبی که قدیم استفاده می کردند و سفالی بود گرفتم و بدنه کوزه رو با اره آهن بر بصورت گرد درآوردم و خالی کردم و داخل کوزه کف آن را با گچ پر کردم و بعد با چوب کبریت خانه و درخت می ساختم و با پنبه ابر و آسمان را می ساختم و ماکت کوچکی از خونه روستایی درست می کردم و روی کل کوزه را گل می پاشیدم و رنگ می کردم و قسمت بالای کوزه را سرپیچ می زدم و سیم کشی می کردم و لامپ میزدم و آباژور درست می کردم . در کودکی چند تا از این کارهای هنری انجام دادم و از همان زمان متوجه بودم که به کارهای دستی و هنرهای تجسمی و نقاشی بسیار علاقمند هستم .





### ۳- آموزش طراحی و نقاشی فرش را در شرکت فرش دیدید؟



عموی من ( مهندس مصطفی رضائیان ) در دانشگاه هنر تهران رشته معماری تحصیل کرده بودند و تدریس خصوصی داشتند ضمن اینکه ایشان یک آتلیه هنر به نام آتلیه "تیتلاس" برای دانشجویان هنر و برای کنکور هنر در چهارراه جمهوری ، ولیعصر جنب سینما مهتاب داشتند و چون ایشان در خانه ما بسیار تردد داشتند و علاقه من را به هنر دیدند تشویق کردند که تابستان به آتلیه ایشون بروم و هم کمک باشم و هم کار یاد بگیرم و من هم با شوق و اشتیاق فراوان قبول کردم و از آن سال تابستانها و بعد از دبیرستان هم بصورت دائمی نزد عمویم به کارهای هنری پرداختم برای کلاسهایشان باید حجم سازی با گچ انجام می دادند که به هنرجویان آموزش بدهند و من داوطلبانه تصمیم گرفتم که تمامی این حجم سازی ها را انجام دهم بهمین دلیل با علاقه زیاد تا دیر وقت در آتلیه می ماندم و مجسمه سازی ها را انجام می دادم و یا کارهای طراحی انجام می دادم . البته در این فاصله هم تحصیلم را ادامه دادم اما بصورت شبانه یعنی یک هنرستانی در خیابان کریمخان بود که رشته بازرگانی داشت و من در آنجا ثبت نام کردم و روزها در آتلیه





کار می کردم و عصرها در دبیرستان  
درس می خواندم که دیپلم بازرگانی را  
در همان سالها گرفتم .

در همان زمان که در آتلیه مشغول  
به کار بودم یک فروشگاه بزرگی  
در چهارراه جمهوری باز شد به نام  
فروشگاه کوروش که بعد از انقلاب  
چند سالی بسته بود و امروز با نام  
فروشگاه رفاه فعالیت می کند یکنروز  
که رفته بودم آنجا یک قسمت بسیار  
بزرگی برای وسایل هنری داشت که  
من یکبار یک خودکار ۱۰ رنگ خریدم  
و شروع کردم به نقاشی با خودکار  
که طرح های زیادی به آن روش کار  
کردم که چند تا از کارهایم را هنوز  
دارم .



مهرماه ۱۳۸۵  
۱۳۸۵

در همان زمان در آتلیه عمومی سیاه قلم کار کردم و نقاشی های بسیار زیادی انجام دادم . اما طراحی و نقاشی فرش را پس از اینکه وارد شرکت فرش شدم بصورت کار آموز بودم و در همان زمان آموزش دیدم و پس از آن بصورت مزدی برای شرکت کار می کردیم چون تا حدود ۸ سال پس از اینکه وارد شرکت شدم ما را استخدام قطعی نکردند.



۴- آیا در آن زمان اصلا به فکرتان رسید یا تلاشی کردید که به خارج از کشور مهاجرت کنید؟

گفتند که چند تا از کارهایم را برایشان بفرستم که ببرند آنجا و به یک شرکت نشان بدهند و کار برایم پیدا کنند که من بروم آلمان . اتفاقا همینطور هم شد که با تقاضای کار و دعوت نامه از ایشان توانستم ویزا بگیرم و حتی پدرم هم برایم ضمانت گذاشتند اما زمانی که تقریبا کارهایم انجام شده بود و قصد داشتم که بروم مادرم مخالفت کردند و گفتند که

بله، ما یک مستاجر داشتیم که خانمشون آلمانی بود و علاقمند به هنر بود و کارهای هنری هم انجام داده بود یعنی نقاش بود و همسرش هم یک کافه در میدان بهارستان داخل یک کوچه در طبقه زیرین یک ساختمان قدیم داشت و او کافه رو هم خیلی زیبا بصورت هنری با نقاشی های خودش تزیین کرده بود. ایشان کارهای من را دیده بودند و خیلی علاقه نشان می دادند و وقتی که داشتند از ایران می رفتند



اجازه نمی دهند که تنها پسرش از او دور باشد و اینطوری شد که مهاجرت کنسل شد. البته سالها بعد که در شرکت فرش هم بودم توسط یک تاجر فرش دوباره قصد مهاجرت کردم و باز هم بعلت مخالفت مادرم منصرف شدم .

### ۵- پس با این توضیحات شما قبل از اینکه به شرکت فرش بروید، کار طراحی را بصورت جدی انجام می دادید؟

بله ، در آن مدتی که در آتلیه عمو مشغول بودم در سالهای ۱۳۴۷ من به کلاس آموزش زبان شکوه می رفتم و یکی از همکلاسی هایم یک خانم یهودی بودند که پدرشون کارخانه بافت پتو داشتند من رو بعنوان طراح معرفی کرده بودند و من برای پتو طرح می زدم و چون طرح روی پتو را باید یک به یک و کامل بکشیم وقتی طرحی را می کشیدم و مورد تأیید قرار می گرفت باید آنرا در اندازه اصلی طراحی می کردم و اینطوری شد که من بعضی شبها در آتلیه می ماندم و تا دیر وقت طرح را بوسیله اپک روی دیوار می انداختم و کاغذ را روی آن قرار می دادم و اندازه اصلی که تقریباً ۶ متری بود را می کشیدم . و چند سالی با همین گروه کار کردم.

### ۶- در چه سالی وارد شرکت فرش شدید و واحد طراحی چگونه بود؟

در سال ۱۳۴۷ وارد شرکت شدم که مدیر عامل وقت هم

آقای کیایی بودند که تحصیلکرده امریکا بودند و در واحد طراحی آقای اسکندانی و آقای سرناز بعنوان طراح بودند و آقای پاک دست چند وقت بعد آمدند شرکت، آقای صادقی ، آقای مسگرها و آقای علیپور بودند که خانم حسینی هم سرپرست واحد طرح و رنگ بودند. و من و عده ای به عنوان نقاش فرش و رنگ و نقطه کار مشغول به کار شدم . که دوباره در همین زمان بود که شرایط مهاجرت مهیا شد . درطول مدت کار از کشورهای خارجی برای آموزش و یا بازدید می آمدند شرکت







و یکبار که یک گروه از آلمان آمده بودند بطور مخفیانه از ما خواستند که با آنها آخر شب در هتل کنتیننتال سابق و لاله اکنون جلسه ای داشته باشیم که در آن جلسه از ما خواستند که با آنها به آلمان برویم و کار و تحصیل و اقامت می دادند و باز هم مادر مخالفت کردند و من نتوانستم بروم اما دو تا از همکارانم رفتند. خوب در آن زمان به فرش ایران بسیار اهمیت می دادند و کشورهای اروپایی علاقمند بودند که طراحان و قالیبافان ایران را ببرند که در بعضی موارد هم موفق شدند و یادم می آید که درست بعد از انقلاب که اروپاییان به ایران رفت و آمدی نداشتند کشورهای همسایه مثل پاکستان و هند بیشتر به ایران می آمدند که در همین اثنا یک پسر قالیبافی در شرکت بود که سن کمی داشت و با مادرش زندگی می کرد که او را تتمیع کردند و با حقوق خوب و مزایا بردند







پاکستان که در آنجا در کارگاههای بزرگ فرش بعنوان سرکارگر با روش بافت ایرانی فرشها را به نام پاکستان و هند می بافتند و صادر می کردند و این حرکت مهاجرت گونه به علت بی توجهی به هنرمندان و متخصصین در کشور بود و هست .

۷- از نظر شما طراحی و رنگ آمیزی فرشهای امروز با فرشهای قدیمی تفاوتی کرده است یا خیر؟

بله بسیار تغییر کرده البته از چند جهت اول اینکه بدلیل تاثیر پذیری و دخالت طرح ها و رنگ های تمام نقاط با یکدیگر تقریباً هیچ منطقه ای دیگر بطور اختصاصی طرح و رنگ ندارند و همگی از





همدیگر تاثیر گرفته اند و دیگر بدلیل سلیقه مردم می باشد که بسیار تغییر کرده و نسل جدید رنگ آمیز و طراحی جدیدتری را می پسندد. از نظر بافت هم بسیار تفاوت کرده است هم مواد اولیه تغییر کرده و هم نوع بافت که بنظر در بعضی مناطق آن کیفیت و زیبایی قبل را ندارد.

**۸- به نظر شما چه چیزی در فرش مهمتر است طراحی یا رنگ آمیزی فرش است که اول به چشم می آید؟**

در اولین نگاه رنگ آمیز فرش است که بیننده را جذب می کند و سپس طرح آن و پس از آن نوع بافت مورد توجه قرار می گیرد به همین سبب برای رنگ آمیزی فرش بسیار باید دقت شود تا مورد توجه خریداران قرار گیرد.

**۹- آیا شما پس از استخدام در شرکت فرش ، خارج از وقت اداری برای تاجران سفارشی طراحی و نقاشی را انجام می دادید؟**

بله در آن زمان هم حقوق مکفی نداشتیم و بهمین جهت برای بیرون کار می کردیم بخصوص از زمان نمایشگاه فرش بین المللی فرش هر ساله برقرار گردید باعث شد که متقاضیان به خود ما هم مراجعه کردند و سفارش دادند خصوصا آنهایی که در شهرستانها بودند دسترسی کمتری به نقشه های خوب داشتند برای همین به ما سفارش می دادند و ما هم خارج از وقت اداری در روزهای تعطیل و شب ها کار می کردیم . بطور مثال به یاد دارم که یک بار یک دندانپزشک ارمنی به من مراجعه کرد و یک پروژه داشت که برای دخترش می خواست یک کار عظیمی انجام دهد . یک ساختمانی داشت که یک طبقه آن دندانپزشکی خودش بود و در یک طبقه هم می



کارهای نقاشی و ویترای برای هتل های بزرگ هم انجام دادم .

### ۱۰- آیا شما برای کاخ ها هم طرح و نقشه کار کردید؟

بله ، اتفاقا قبل از انقلاب بود درست همان سالهای اواخر ۵۶ بود که از کاخ گلستان چند نفر آمدند و خواستند که ما برای ارزیابی و تحقیق فرشهای کاخ به آنجا برویم که ما هم رفتیم و در اتاق شاه چند فرش دیدیم که بسیار کهنه و نخ نما بود اما بسیار ارزشمند و زیبا و در این زمان چون فرح بسیار اهل هنر بود تصمیم به تجدید بافت این طرح ها کرد و از شرکت فرش خواستار نیرو شدند که من و آقای مسگرها ماموریت پیدا کردیم که لوازماتمان را ببریم کاخ و در آنجا این فرشها را گرده برداری کنیم و مجددا طراحی و رنگ آمیز نماییم و برای بافت بفرستیم . ما حدود ۶-۷ ماه

خواست یک گالری طلا احداث کند و در یک طبقه هم می خواست آتلیه طراحی و بافت فرش انجام دهد و بهمین سبب به من گفت که آنجا را تجهیز می کند و قرار شد من و یک طراح فرش برویم آنجا و یکسری کتاب در اختیار ما گذاشت که از نقاشی ها و فرهنگ و رنگ آمیزی ارامنه را با خواندن کتابها بدست آوریم و پس از آن نقشه های فرشهای قدیمی ارامنه را احیا کنیم و یا از تمثال بعضی از جنگاوران ارامنه تصویری طراحی و بافت نمائیم. که در همین زمان تقریبا یک ماه طول کشید تا ما با یادگیری از آداب و رسوم و نقاشی های ارامنه شروع به طراحی کردیم و بعد از آن چند بافنده هم پیدا کردیم و طرح هایی که آماده کردیم را شروع به بافت در همان محل کردیم و تقریبا حدود ۱۰ تا طرح و نقشه انجام دادیم و در اندازه های مختلف بافته شد. و در این اثنا من





فقط از فرشها بوسیله کاغذ پوستی گرده برداری کردیم و همانجا مشغول بودیم که شروع شلوغی های انقلاب شد و ما را از رفتن به کاخ منع کردند تا شلوغی ها تمام شود. انقلاب شد و کاخ ها که بدست ارگانها افتاد و ما دسترسی به نقشه ها نداشتیم تا فکر کنم سه چهار سال بعد یعنی حدود سالهای ۶۰ بود که من به آقای اله داد که مدیریت طرح و رنگ را داشتم یادآوری اون نقشه ها را کردم و باز ماموریت گرفتیم و هماهنگ کردم با سازمان کاخ ها که بروم و نقشه ها و وسایل را بیاورم که وقتی رفتیم آنجا فقط میز طراحی و ظروف رنگ ها را پیدا کردم که گوشه ای از انبار بود اما هیچ خبری از نقشه ها نبود و نتوانستیم آنها را پیدا کنیم. اما آن کارها بسیار نفیس بود و اگر آن فرشها مجدد بازبافی می شد طرح های قدیمی بسیار زیبایی بود.

**۱۱- کلاسهای آموزشی خارج از دانشگاه چگونه بودو چطور می توان این هنر را خارج از دانشگاه آموخت؟**

اولین کلاسهای آموزشی فرش دوره هایی بود که بعد از انقلاب در یک تالار فرهنگی در خیابان ولیعصر نبش خیابان سپه یک تالار بود که البته اسم قدیم آن را





فقط یک دوره ۴ ساله دبیرستانی بود که بعد هم تعطیل شد.

پس از این دوره ها البته در سالهای قبل هم رشته فرش در دانشگاه هنر بود اما بصورت تخصصی من از همان سالها استاد دانشگاه الزهرا شدم و تا چند سال پیش که به لاهیجان نقل مکان کردم در حال تدریس در دانشگاه بودم.

۱۳- استاد رضائیان، با توجه به فعالیت طولانی تدریس در رشته فرش که داشتید آیا فکر می کنید این رشته برای نسل جوان خوب بوده و باعث کاریبایی در این رشته شده و توانسته علاقمندی برای نسل جوان ایجاد کند؟

نمیدانم اما نام جدید آن تالار محراب است که در آنجا یک دوره آموزش فرش گذاشتند که من بعنوان استاد رنگ آمیزی دعوت شدم و آموزش را از آنجا شروع کردم.

۱۲- چه سالی بود؟

سال دقیق آن را به یاد ندارم اما اواخر دهه ۷۰ بود متاسفانه فقط هم همان یک دوره آنجا برگزار شد و تالار بمدت ۷ سال دوباره بسته شد و در سالهای ۸۶ مجدد راه اندازی گردید. البته بعد خود شرکت فرش در سالهای ۹۰ یک دبیرستان پسرانه با نام هنرستان فرش در ساختمان کناری شرکت فرش ساختمان شماره ۲ در خیابان قره نی [ ] کلانتری غربی احداث نمود که آنهم فقط یک دوره بود یعنی





زیادی شده اند خصوصا برای فرش دستباف و بعضی از افراد جذب شرکتهای فرش ماشینی شده اند تا روزگارانشان را سپری کنند .

**۱۴- شما این روزها به صورت اصلی به چه کاری می پردازید آیا بعد از بازنشستگی ، هنوز هم بصورت حرفه ای این شغل را ادامه می دهید؟**

خیر از وقتی که به شهرستان آمدم دیگر کارهای در ارتباط با فرش انجام نمی دهم کاملا از این رشته بازنشسته شدم و در اینجا مدیریت یک دفتر فروش خانوادگیمان را انجام میدهم البته تا وقتی که در تهران بودم شاگردهایمان برای سوالات و راهنمایی میامدند پیش من اما در اینجا نه .

**۱۵- در اولین فرش بزرگ دنیا یعنی فرش عمان شما فعالیت داشتید ممکن است شرح دهید که چگونه بود و چه دشواری هایی وجود داشت ؟**

در پروژه فرش عمان من کارشناس و سرپرست رنگ فرش بودم و تمامی مسئولیت و نظارت بر روی رنگ نقشه ها به عهده من بود . از

راستش بله این رشته بسیار خوب و جذابی برای نسل جوان بود و تمامی بچه هایی که در این رشته تحصیل کردند خیلی سعی می کنند فعالیت داشته باشند و بیشترشون هم خیلی موفق هستند اما متاسفانه بدلیل تحریم های اقتصادی و ممنوعیت صادرات فرش و کمبود سفارش چه برای بافت و چه برای طراحی این جوانان در این رشته دچار خسارات





ساخت رنگ تا رسیدگی به رنگ آمیزی فرش . چون در آن زمان هنوز طراحی و رنگ آمیزی بصورت دستی انجام می پذیرفت و هنوز کارها با کامپیوتر اجرا نمی شد و کار در اندازه بزرگ بود و باید رنگها یکدست ساخته می شد من تمام رنگها را می ساختم یعنی در اندازه زیاد رنگ را ترکیب می کردم و به همکاران میدادم برای همین نقشه فرش عمان با اینکه دستی بود کاملا یکنواخت رنگ شد. اما در باره فرش بزرگ بعدی که فرش ابوظبی بود بعلت اینکه با کامپیوتر کار شد کار بسیار راحت تر و با هماهنگی بهتری انجام پذیرفت.



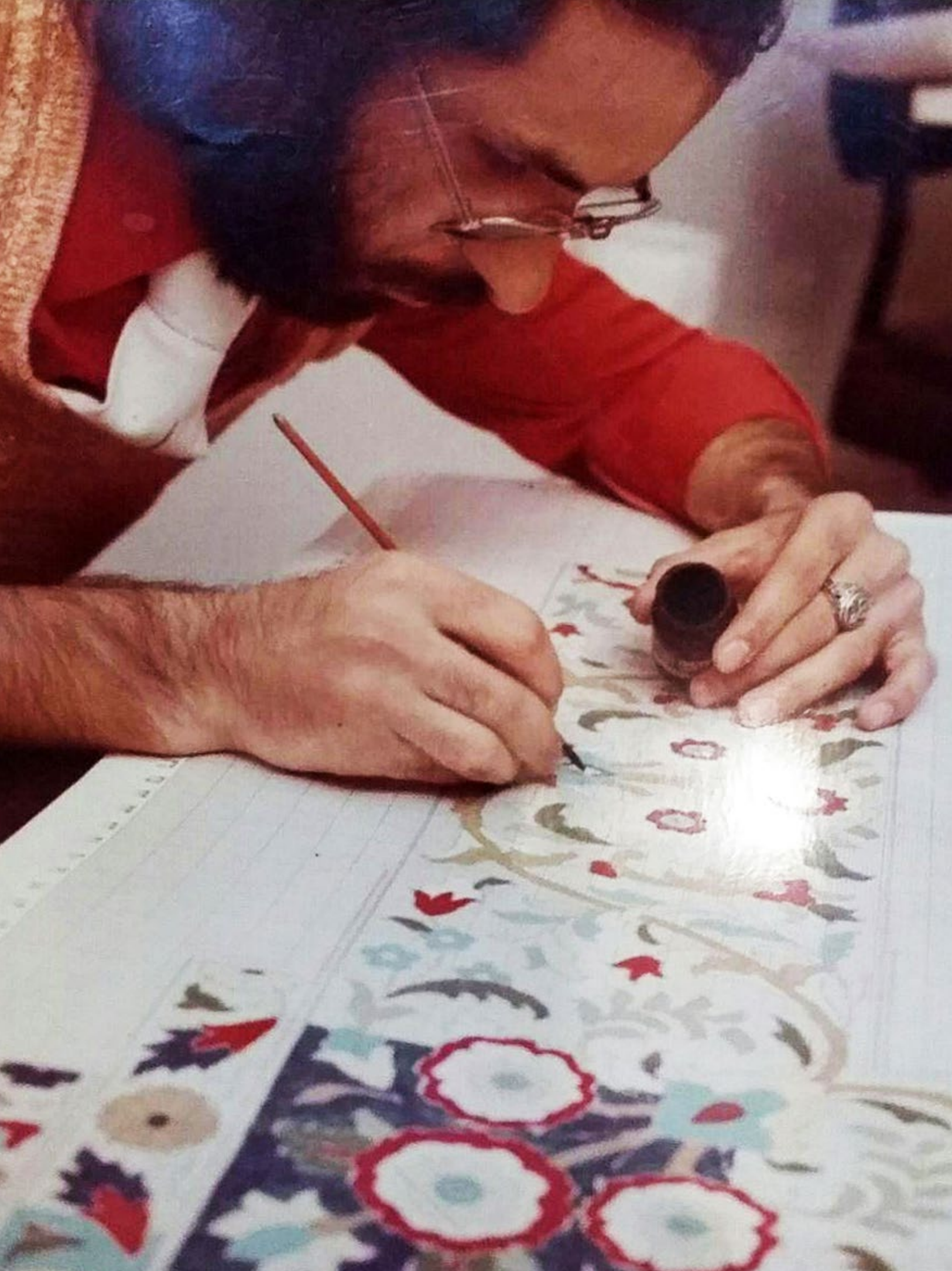


## ۱۶- فرش عمان در چه رجشماری و با چند تا رنگ کار شد؟

فرش عمان در اندازه واقعی ۴۳۴۳ متر (۷۰\*۶۰) متر مربع است و جهت شبستان اصلی مسجد اعظم سلطان قابوس طراحی و بافت شده که در طراحی ترنج مرکزی این فرش از نقوش زیبای سقف گنبد مسجد معروف شیخ لطف اله در اصفهان الهام گرفته شده است. هریک از نقوش بیضی شکل این ترنج که با فاصله گرفتن از مرکز ترنج به تدریج بزرگتر می شود، گنبد مقبری را در نظر بیننده منعکس مینماید که دقیقا در زیر گنبد مسجد اعظم قرار گرفته. زمینه فرش با گل های شاه عباسی و گردش بندها و اسلیمی ها طراحی و رنگ آمیزی شده است این فرش در رجشمار ۴۰ و با ۲۸ رنگ کار شد. رنگ زمینه آن سرمه ای و رنگ حاشیه آن بژ و برای طراحی و نقاشی آن یک واحد بزرگ طراحی تقریبا ۱۵ نفر پرسنل کار کردند. و شروع آن از سال ۱۳۷۶ و اتمام و نصب آن در سال ۱۳۸۰ صورت گرفت.









## ۱۷- کلام آخر و اینکه هر چه دوست دارید در مورد فرش، طراحی و رنگ آمیزی، صادرات و .... را بفرمایید.

بالاخره من سالها در این زمینه هم کار کردم و هم آموزش دادم. بارها به دانشجویان و کارآموزان این نکته رو قید کردم که برای فرش دستباف اول از همه سعی کنید که از رنگهای منطقه استفاده کنند یعنی تا جایی که امکان دارد از ترکیب و تداخل شهرها در هم خودداری کنند چیزی که این روزها اصلا رعایت نمی کنند. این توصیه من به این دلیل است که تا جایی که می توانیم چه برای طرح و چه برای رنگ و چه در مورد بافت، اصالت منطقه را حفظ کنیم. و دوم اینکه از رنگهای جیغ در فرش استفاده نکنند تا رنگ آمیزی آرام و دلپذیری داشته باشد و سوم اینکه درست است که روزهای سختی برای کسب و کار هست اما سعی کنند که مقاومت کنند و طرح های اصیل ایرانی را تکرار کنند تا طرح ها و رنگ های فرش ایرانی به فراموشی سپرده نشود. و مهمترین مسئله ای که فکر می کنم این است که بعد از تحصیل در دانشگاه این رشته را رها نکنند چون هر چقدر کار انجام دهند قدرتشان برای کارها بهتر و زیباتر می شود و تجربه کاری از زیاد کار کردن و با دقت کار کردن حاصل می شود و یادشان باشد که هیچگاه کار زیبا و نفیس بر روی زمین نمی ماند و بالاخره حتما تولید کننده ها در هر شرایطی بدنبال کار زیبا و درست می روند.

و در آخر می خواستم بگویم که این کار شما بسیار کار جالبی بود برای آگاهی رسانیدن جامعه دانشجویی و کارآموزی فرش من همیشه این جایگاه را خالی احساس می کردم. مجله ای که بصورت

اینترنتی اجرا می گردد توانسته است هرگاه و همه جا در دسترس باشد. شاید هنوز نو پا باشد اما توانسته خوب و کارآمد حرکت کند. امیدوارم همواره در این راه و در راه استیلای فرش موفق باشید تا این هنر نیاکانمان از بین نرود.

و مهمتر از همه بسیار تشکر می کنم که برای این مصاحبه زحمت کشیدید و از تهران به لاهیجان آمدید تا حضورا با یکدیگر نشست داشته باشیم از اینکه پیشکسوتان را فراموش نکردید متشکرم.





- شال و روسری ابریشمی نقاشی شده با دست ( باتیک )
- کراوات های نقاشی شده
- مانتو های باتیک



## زنجیره بافی فرش دستباف



بعد از اتمام چله کشی از عملیات زنجیره بافی استفاده می کنیم این عملیات به منظور ثابت نگه داشتن چله و استحکام دو انتهای فرش می باشد. زنجیره بافی به دو صورت قایقی و متداخل انجام می شود.

### ۱- زنجیره بافی فرش متداخل:

برای این کار، نخ را با طول ۱۰ برابر عرض فرش برداشته آن را ۲ لا می کنیم و به صورت گلوله کوچکی در می آوریم و برای انجام زنجیره بافی فرش، از محلی که نخ دو لا شده است نخ را باز کرده و روی دو تار قرار می دهیم و گلوله را دور تار چرخانده و از محلی که نخ را باز کرده بودیم خارج می کنیم و این عمل را تا انتهای فرش تکرار می کنیم (بهتر است که این عملیات از سمت راست شروع شود) و در نهایت انتهای نخ را به راست روها می بندیم.

### ۲- زنجیره بافی فرش قایقی:

نخ مخصوص زنجیره بافی را برداشته و آن را از دور تارهای چله به صورت ۲ تایی رد می کنیم و تا آخر ادامه می دهیم در این حالت می توانیم یا کار را تمام شده فرض کنیم و انتهای نخ زنجیره را به راست روها می بندیم یا اینکه با یک ردیف برگشتی، این عمل را تکرار می کنیم و در نهایت سر نخ زنجیره را به راست روها ببندیم البته این نکته قابل ذکر است که باید قبل از عملیات زنجیره بافی به روش قایقی طول نخ زنجیره با توجه به تعداد ردیفی که می خواهیم زنجیره بزیم مناسب باشد (جنس نخ زنجیره بهتر است از جنس نخ چله باشد)



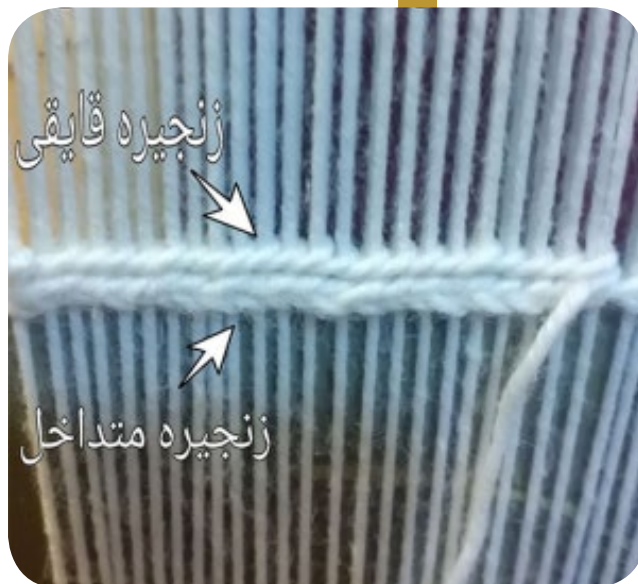


## گلیم بافی

پس از عمل زنجیره بافی شروع به گلیم بافی می کنیم، که بر حسب استفاده یا عدم استفاده از کوچی به دو صورت سوف و کرباس صورت می پذیرد.

### ۱- گلیم بافی به روش سوف:

در این نوع گلیم بافی از دو نوع پود ضخیم و نازک استفاده می کنیم. به این صورت که ابتدا پود ضخیم با کمک سیخ از زیر زیگزاک و از لای تارها عبور می دهیم و سپس پود نازک را در لابه لای چله ها روی پود ضخیم عبور می دهیم که رد کردن این پود به صورت یرعکس پود ضخیم انجام می گیرد. لازم به ذکر است که که بهتر است از پود ضخیم و نازک هم رنگ چله استفاده شود تا سوف ما حالت زیباتر و ظریف تری پیدا کند تعداد رج های فوق از ۱۰-۱۵ رج متفاوت است ولی در صورت امکان بهتر است که تعداد رج های سوف زیاد باشند تا استحکام بیشتر فرش فراهم گردد.



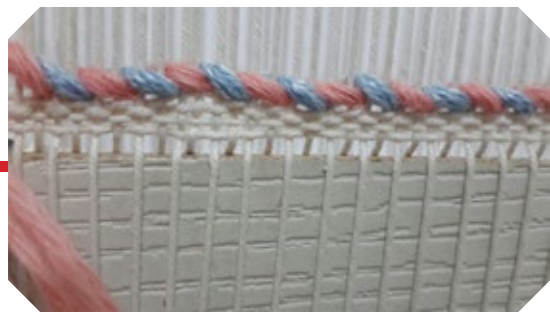
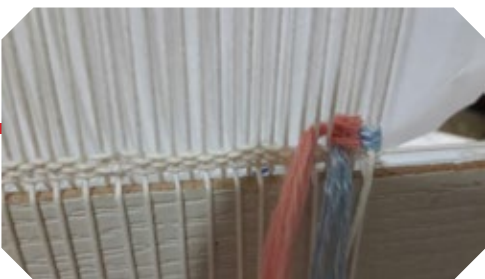
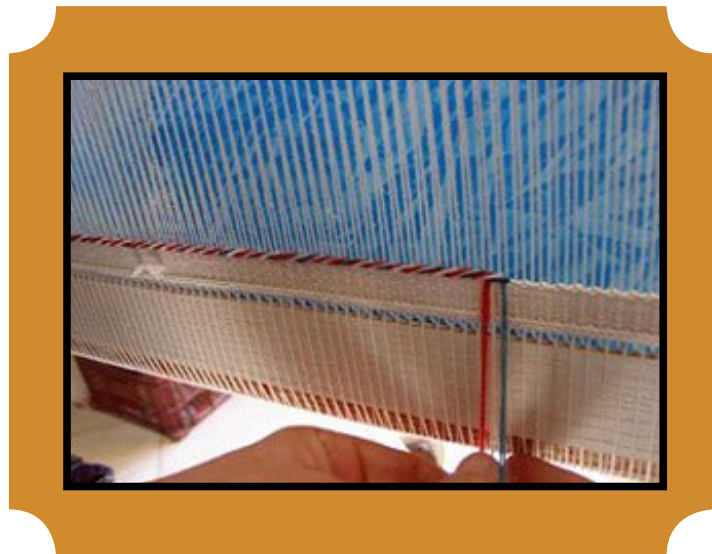
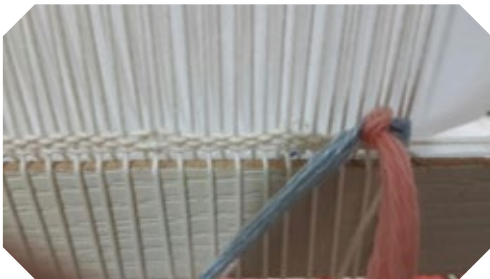
### ۲- گلیم بافی به روش کرباس:

در این نوع گلیم بافی که مخصوص دارهای کوچی دار می باشد فقط از یک نوع پود که هم رنگ نخ چله است استفاده می شود به این صورت که با بالا بردن چوب هاف از روی چوب کجو و فشار دادن تارها به وسیله دست، نخ پود را از لای تارها رد می کنیم و سپس با پایین آوردن چوب هاف بر روی کجو پود ضخیم را از لای تارها رد می کنیم در این صورت تارها و پوده ها حالت + پیدا می کنند و با کوبیدن شبیه کرباس می شود. این نوع گلیم نسبت به گلیم سوف از استحکام بالاتری برخوردار است.



## ملیله بافی

در بعضی از فرش ها در حین گلیم بافی از عملی به نام ملیله بافی استفاده می شود که عبارت از مقدار بافتی، حدود ۱-۳ رج با خامه رنگین بر چله است که در بعضی موارد از نخ های نقره ای و طلایی استفاده می شود. عمل ملیله بافی بدین صورت است که سه قطعه خامه رنگین با طول ۵/۱ برابر عرض فرش را برداشته و در آغاز عمل این سه قطعه را با هم گره می زنند و حدود ۵ سانتی متر از آنها را به صورت گیس بافت می بافند و سپس هر کدام از خامه ها را به نوبت از لابه لای چله ها دو تا زیر و دو تا رو بر عکس همدیگر رد می کنند. این عمل تکرار می شود به صورتی که هر سه قطعه خامه از تمام تارهای قسمت گلیم بافت عبور کند. نقش ملیله بافی یکنواخت کردن تقسیم بندی چله ها و دادن نقش به ساده بافی فرش می باشد.







تبلیغات



"آرتیرانی" هنرِ نفیس ایرانی



COLLECTION

Artirani

ARTIRANI.GROUP

ARTIRANIGROUP

Persian Handmade

WWW.ARTIRANI.COM



## سلسله مطالب

### چیستی و ضرورت برندسازی در فرش دستباف

#### به روایت مهدیار پیرزاده

کارشناسی هنر از دانشگاه سوره تهران

دانش آموخته MBA از دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران



#### پیش درآمد:

بعنوان یک دانش آموخته رشته هنر و MBA و به دلیل فعالیت قریب یک دهه در حوزه تجاری سازی ( برندینگ) در حوزه ها و کسب و کارهای مختلف خصوصی و نیمه خصوصی و همچنین بخاطر موضوع پایان نامه دانشگاهی ام در مقطع کارشناسی در دانشگاه سوره تهران با عنوان "بررسی عناصر نوشتاری بر روی قالی های ایرانی" که نشان از علاقه و مطالعه ی طولانی مدت اینجانب به این هنر نفیس ایرانی دارد، این حق را به خود می دهم که در حوزه تجاری سازی و به اصلاح برندینگ این هنر- صنعت مطالبی را به مرور و هر از گاهی خدمت خوانندگان مجله "کارپت پلاس" ارایه دهم.

برای شروع این مبحث از سفری که به عشق آباد در کشور ترکمنستان داشتم آغاز می کنم. در سالهای ۲۰۱۳ و ۲۰۱۵ به دعوت سفیر محترم ترکمنستان و به مناسبت روز ملی "آخال تکه" ( اسب بومی و اصیل ترکمن کشور ترکمنستان) به این کشور سفر کردم ( به دلیل سالها فعالیت در حوزه رسانه و صنعت اسب ایران ) و به طرز شگفت آوری با توسعه ی صنایع نمایشگاهی و خدمات مربوط به اسب (Equine industry) مواجه شدم که موضوع صحبت این مطلب نیست اما در خلال این سفرها از موزه فرش ترکمنستان نیز بازدید کردیم. آنچه برایم بسیار تامل برانگیز بود حضور مترجمان به زبانهای مختلف برای میهمانان سایر کشورها بود. یعنی زمانی که لیدر و راهنمای موزه در حال توضیح دادن "داستان" ها و "قصه" ها و "اوسنه" های فرش ترکمن بود، مترجمان انگلیسی، فارسی، ایتالیایی، آلمانی و ... نیز آنها را ترجمه می کردند. سپس به دیدن "بزرگترین فرش دستباف ترکمن جهان" دعوت شدیم که سال ۲۰۰۱ ( یا ۲۰۰۳) به مساحت ۳۰۱ متر مربع به وزن ۱۲۰۰ کیلوگرم در کتاب رکوردهای گینس ثبت شده بود.





برای من البته دیدن فرش ها بعد از مدتی به یکنواختی گرائید زیرا حتی علیرغم تنوع موتیف ها، چشمم به یک کانسپت عادت کرده بود. البته فرش های قرون ۱۹ و برخی کارهای نفیس در آن وجود داشت که توجه زیاد توریست ها و میهمانان را به خود جلب کرده بود. نمی خواهم قیاس بین آن فرش و فرشهای بزرگ جهان که در ایران طراحی و بافته شده را بر زبان بیاورم بلکه می خواهم از جهد و تلاش و جدی گرفتن امری بنام "برندسازی" صحبت کنم. برای من بیشتر از هر چیزی دیدن آن صحنه ها دردآور بود

چرا که بسیار خواننده ایم و شنیده ایم که کشورهای همسایه از کمترین منابع و عناصر فرهنگی، بیشترین بهره را می برند و گفتنش در این زمان و لحظه تکرار مکررات است و شاید یکی از ایراداتی که به ما وارد است، غنای بیش از حد فرهنگی است که ما را اشباع و کرخت کرده و انگیزه هامان را کمرنگ نموده است.

### اما برگردیم به غصه ی قصه اصلی؛ فرش دستباف ایران

لااقل در این ده سال بیش از ده ها کفرانس و سمینار و همایش دیده ام در باب توسعه فرش دستباف ایرانی و صد البته همه می دانیم که حکایت گوسفندی است که همه می پرسند "پس کو دنبه اش؟" و واقعیت تلخ رکود و شکست و خاکستر است که هر سال بر گرده ی دار و چله این حوزه می نشیند.

کمی به اطلاعات زیر که البته به روز رسانی نشده و مربوط به همین چندسال گذشته است نگاه کنیم: عرضه کنندگان عمده فرش دستباف در بازار جهانی فرش را می توان به شرح زیر نام برد.

**پاکستان**، حدود ۶۰٪ از تولید پاکستان را پناهندگان افغانی انجام می دادند که به میهن خود بازگردانده شدند و در حال حاضر قسمت اعظم صادرات پاکستان، تولید افغانستان است.

**ایران**، حدود نیمی از کل تولید این کشور به بازارهای آلمان و آمریکا می رود. کاهش قیمت زیادی به دلیل عرضه زیاد در دهه ۱۹۷۰ و کاهش کیفیت باعث کاهش قیمت محصولات این کشور بوده است.

**افغانستان**، ۹۵٪ تولید به پاکستان صادر می شود که در آنجا پس از پرداخت و تکمیل به عنوان فرش پاکستانی مجددا صادر می شود.

**نپال**، این صنعت توسط مهاجران تبتی در سال ۱۹۵۰ بنا نهاده شد و رشد عجیبی در بازار آمریکا در ۱۰ سال اخیر داشته است که حدود ۲۵٪ از سال ۱۹۹۵ رشد کرده است. کاهش اخیر خرید این محصول به دلیل استفاده از نیروی کار کودکان و کیفیت کم تولید بوده است.





موارد بالا قطعا تا کنون دچار تغییرات گسترده ای شده اند اما آنچه مشهود است تولد کشورهایی نوپا همچون نپال است و یا نیروی کار ارزان در هند و همچنین کیفیت های نسبتا خوب در چین و...

لیکن آنچه از چشم دیگران دورمانده است تنوع و غنای طرح های ایرانی است. در واقع مادر برنندسازی از یک منظر با دو واژه ی "هسته" و "پوسته" برند مواجهیم و حقیقت این است که هسته و مغز برند مهم است ولی این پوسته و لایه های بیرونی پرزنت آن است که می تواند حواس خریداران را به خود جلب کند.

شاید این حرف را از سالها پیش شنیده باشید که برای تبرئه خودمان از کیفیت بد فرش های هندی در نوع چله کشی و یا گره های فرش های چینی و ... حرف می زنیم و غافل از آن هستیم که حالا دیگر خودمان هم به فرش های خودمان ایمان نداریم.

همین هفته پیش در نمایشگاهی در میدان تجریش که از تجمیع چند گروه از تولید کنندگان بوجود آمده بود با فرش هایی به ظاهر یکسان و از یک منطقه مواجه بودیم ولی اختلاف قیمت های بسیار متفاوت بود و خود بخوان حدیث مفصل ...

متأسفانه حالا دیگر از طراحی گرفته تا پروسه تولید، گره ها، چله کشی ها و رنگ های شیمیایی همه و همه دست در دست هم داده اند تا فرش های در کمترین زمان و کمترین قیمت تمام شده از دار بریده شود و به پول تبدیل شود و این ضربه ها و شوک ها بعد از گذشت شش ماه الی یکسال مشتری را از آنچه خریده آگاه می کند و اینچنین است که مشتریان زیادی از فرش دستباف به فرش ماشینی گرایش پیدا می کنند.

در سلسله مطالب آتی به مضرات آسیب برند می پردازیم و در ادامه به پروسه چگونگی ساخت یک برند جدید و یا بازآفرینی و توسعه برندهای قبلی خواهیم پرداخت.

یادمان باشد برای حضور در حوزه فرامرزی ( به فرض رفع تحریم ها و مرتفع شدن سازوکار صادرات و ...) ابتدا نیاز به بازار داخلی داریم، بنابراین اصل هایی همچون متمایز بودن، شیوه ارایه، قیمت تمام شده و روش های توزیع و فروش را سرلوحه ی سلسله مطالب آینده قرار خواهیم داد.



**چین**، اعتبار چین به دلیل کیفیت بالا و قیمت مناسب است. ۷۰٪ صادرات چین به آمریکا است یعنی چین به این بازار به شدت وابسته است، اگر چه از سال ۱۹۹۵ فروش این کشور رونقی نداشته

**هند**، بیش از ۵۰٪ صادرات این کشور به بازار آمریکا است. همراستا با چین، هند هم از توقیف فرش های ایرانی توسط آمریکا بهره می جست اما از سال ۲۰۰۰ تا حدودی سهم بازار خود را به ایران می بازد

امارات، ایتالیا، آلمان، آمریکا و انگلیس، ۵ خریدار بزرگ فرش دستباف جهان هستند و آمریکا و آلمان به ترتیب بزرگترین خریداران جهانی فرش دستباف هستند، آمریکا از سال ۲۰۰۰ از آلمان پیشی گرفته است. بزرگترین بازار فرش در سال ۱۹۹۸ کشور آلمان بود که به سرعت رو به افول گذاشت به حدی که در سال ۲۰۰۲ به نصف سطح خود در ۱۹۹۸ رسید. هر چند پس از آن باز رشد داشته اما تا سال ۲۰۰۴ این رشد تنها ۷٪ بوده است و دیگر انتظار نمی رود که آلمان به همان بازار بزرگ پیشین بازگردد. بازار آمریکا تنها بازاری بوده است که نرخ رشد قابل ملاحظه ای داشته به نحوی که بین سالهای ۱۹۹۸-۲۰۰۴ میانگین رشد ۶٪ داشته است اگر چه آمریکا نیز گاهی با کاهش روبرو بوده است اما اهمیت زیاد و تعیین کننده ای نداشته است

بازار فرشهای گره ای دستباف به شدت در بین ۵ کشور اصلی تولید کننده مورد رقابت است که این ۵ کشور ۷۰٪ کل تقاضای دنیا را تهیه می کنند و...



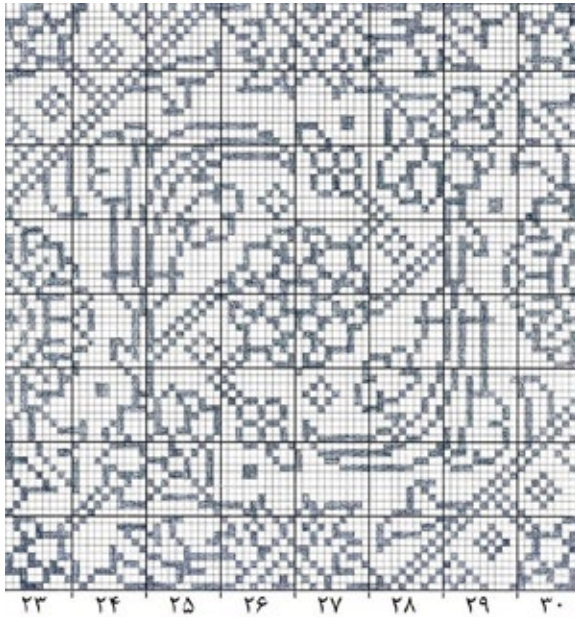
## یک ایده دکوراتیو





## تفسیر نگاره‌ی ماهیان چرخان

گرد آوری: مریم طاهری



اختر تخت سلیمان، بشقاب‌های سفالینه‌ای از نیشابور متعلق به دوران سامانی و سفالینه‌هایی از دوران ایلخانی). این ماهیان هنوز در سنت سفال‌گری شهرضا به کار می‌روند.

هنرمند قالی‌باف نیز شاید هنگام بافتن طرح ماهیان درهم به درخت زندگی و ماهیان نگاه‌بان آن می‌اندیشیده است. بیشتر پژوهش‌گران قالی ایرانی واگیره‌ی "ماهی درهم" را متشکل از یک حوض به صورت لوزی با چهار برگ یا ماهی در اطراف آن می‌دانند. این تصور نیز بر اندیشه‌ی بستگی ماهیان با میتراپیسم استوار است و حوض را یادآور دریاچه‌ای می‌داند که مهر در آن زاده شده. اما از آن جایی که چهار ماهی پشت به لوزی دارند و به دور آن نمی‌چرخند نمی‌توان این ساختار را واگیره در نظر گرفت. چرخش ماهی‌ها به دور گلی است که در میانه‌ی طرح روئیده و گسترش آن قالی را پُر می‌کند و می‌توان آن را وابسته به اندیشه‌ی کهن ایرانی «درخت زندگی» دانست.

دو تفسیر رایج در مورد مفهوم نمادین نگاره‌ی ماهیان چرخان وجود دارد نخست ارتباطی است که میان این نقش با آیین مهر فرض می‌شود. دکتر حصوری معتقد است، نقش ماهیان درهم برگرفته از اندیشه‌ی مهری است. مهر از مادرش که از آب دریاچه‌ی هامون بار برداشته بود در آب دریا متولد می‌شود و مادرش او را بر روی گل نیلوفر می‌نهد، پس ماهی‌ای مهر را به خشکی می‌رساند هنرمند ایرانی نقش ماهیان چرخان را در دورانی بس کهن‌تر به کار می‌برده است. نمونه‌هایی از این ماهیان بر روی سفالینه‌های در موزه‌ی ملی ایران برخی از ظرف‌های به دست آمده از شهر سوخته متعلق به هزاره‌ی سوم پ.م. در موزه‌ی زاهدان نگهداری می‌شوند.

در آیین زرتشت این باور وجود دارد که اهریمن در برابر هر آفریده‌ی نیکوی اهورایی دست به ایجاد عاملی مخرب می‌زند تا مبارزه‌ی دایمی نور و ظلمت ادامه یابد. هنگامی که اهورا درخت گوگرد را در دریای فراخکرت می‌آفریند، اهریمن چلیپاسه‌ای گسیل می‌دارد تا ریشه‌ی درخت را بچود و حیات را بر روی زمین نابود کند. اما پیرامون ریشه‌ی درخت در اعماق فراخکرت دو "گرماهی" خانه دارند که پیوسته به دور ریشه می‌چرخند و چنان که در "مینوی خرد" آمده وزغ و دیگر جانوران موزی اهریمن‌زاده را از آن این دو ماهی همه‌ی جهات را با چشم باز محافظت می‌کنند و نیروی دید آن‌ها در اوستا دور نگاه می‌دارند "گر" به معنای قوت و توان است و دریانوردان خلیج فارس هنوز نوعی از ماهیان این دریا را که گاه تا ۱۵ متر طول دارد "گرماهی" می‌نامند بر روی ظرف‌های زرین و سیمین بازمانده از دوران ساسانی هر گاه طرحی از درخت زندگی دیده می‌شود ماهیان محافظ نیز در کنار ریشه‌های آن تصویر شده‌اند (کاشی‌های







پایان



**CARPET PLUS**

ماهنامه اینترنتی فرش دستباف

Iranian Visual carpet Magazine